نازه‌های نشر

«اخلاق فضیلت از دیدگاه ارسطو و ابوعلی مسکویه» منتشر شد

کتاب «اخلاق فضیلت از دیدگاه ارسطو و ابوعلی مسکویه» که اثر علی اکبر علیزاده است، به همت پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و نشر این پژوهشگاه در ۴۱۵ صفحه به چاپ رسید.

بی‌تردید تاریخ فلسفه اخلاق با تأمل بر فضائل اخلاقی و نقش آن در سپهر حیات فردی و اجتماعی پیش رفته است. می‌توان نظریه هنجاری اخلاق فضیلت را بازتاب مهم‌ترین رسالت اخلاق در پرورش ملکات و فضائل اخلاقی به دور از اصول و قواعد وظیفه‌گرا یا غایت‌نگر اخلاقی برشمرد. رسالت اصلی کتاب حاضر، مقایسه ارسطو و ابوعلی مسکویه در دو کتاب مهم اخلاقی ایشان یعنی اخلاق نیکوماخوس و تهذیب الاخلاق است که این دو فیلسوف به نوعی بنیان‌گذار اخلاق فضیلت در غرب و اسلام هستند. در تعیین مقایسه و سنجش دانسته می‌شود که اخلاق اسلامی چه مقدار از اخلاق یونانی و ارسطو تأثیر پذیرفته و چه اندازه ابتکار و نوآوری خود فیلسوفان اسلامی است. اهمیت این مقایسه و سنجش از آنجا بیشتر می‌شود که از یک سو نمی‌توان نقش و تأثیر ارسطو در مبانی اخلاق نظری در اسلام را از نظر دور داشت و از سوی دیگر مسکویه بر فیلسوفان اخلاق پس از خود تأثیر بسزایی داشته و کتاب‌های اخلاقی متأخر از او تا اندازه بسیاری مرهون دیدگاه‌های وی بوده است.

در خصوص ساختار این اثر هم باید گفت این اثر در پنج فصل تهیه و تنظیم شده است؛ در فصل اول این اثر که به کلیات پرداخته، ضمن تعریفی از فضیلت و پیشینه اخلاق فضیلت، معیار فضیلت و همچنین اهمیت اخلاق فضیلت نیز تشریح شده است؛ در ادامه، فضیلت‌گرایی در غرب و اسلام تبیین شده و مروری بر آثار ارسطو و ابوعلی مسکویه نیز شده و در پایان این فصل به تأثیر ارسطو بر اخلاق اسلامی نیز اشاره شده است.

«جستجوی فضیلت از دیدگاه ارسطو و مسکویه» عنوان دومین فصل از این اثر است؛ در ابتدای این فصل پس از بررسی فضیلت از دیدگاه این دو، فضائل از دیدگاه ارسطو و مسکویه طبقه‌بندی شده و مبادی اخلاق فضیلت نیز از دیدگاه هر دو نویسنده مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

فصل سوم به بررسی فضیل انسانی اختصاص دارد و در فصل چهارم به تفصیل تبیین شده است.

در پنجمین و آخرین فصل از این کتاب، مقایسه و نقدی نسبت به دیدگاه هر دو فیلسوف صورت گرفته است. در این فصل به وجوه تشابه و تفاوت هر دو دیدگاه پرداخته شده است.

علاقه‌مندان برای تهیه این کتاب می‌توانند به تارنمای فروشگاه این پژوهشگاه به نشانی shop.isca.ac.ir مراجعه کنند.

موعظه

آیت‌الله مجتبی تهرانی

به این دو دلیل، خیال مصیبت هم نکن

شخصی به امام حسین(ع) نوشت: مرا با دو جمله موعظه و نصیحت کن؛ حضرت در جواب نوشتند: کسی که برای رسیدن به چیزی از راه ناامید و مصیبت خواندنو وارد می‌شود، آن چیز یا دوری از دست و خارج می‌شود و به زودی به آنچه از آن می‌ترسد، گرفتار می‌شود.

روایت از امام حسین(ع) منقول است که حضرت فرمودند: اگر کسی قصد کند کاری را انجام بدهد که مصیبت خداست، اما برای چی؟ معمولا انسان اعمالی که انجام می‌دهد، به قول ما از دو صورت خارج نیست یا می‌خواهد یک سودی بدست بیاورد که ما بیش می‌گوییم، جلب منفعت؛ یا می‌خواهد زیان و ضرری را از خودش دفع بکند که از او تعبیر می‌کنیم ما به دفع ضرر. حالا این کار که می‌خواهد بکند، چه جلب منفعت و چه دفع ضرر، کاری حرام است. این کار، این عمل، مصیبت خداست. ما مصیبت خدا بخواهد سودی ببرد یا از خودش زیانی را دفع کند... می‌فرماید به اینکه: اگر می‌خواهد سود ببرد، این مصیبت موجب می‌شود ضرر تو آن سود از دستت برود و به دست نیاید؛ و اگر می‌خواستی دفع ضرر بکنی، زود، تو ضرر متوجه تو می‌شود یعنی عکس می‌شود. همین که قصد کردی، چیزی بدست آوری به معنای اینکه سودی ببری، اما این کار گناه است، موجب می‌شود زود تر این سود از دستت فوت بشود و به دست نرسد. از این طرف هم موجب می‌شود اگر می‌خواستی از خودت دفع ضرر بکنی، زودتر ضرر متوجه تو بشود. این تعبیری است که امام حسین(ع) دارد. پس بنابراین، کسی که مؤمن بالله است، اعتقاد به خدا، مبدا و معاد و قیامت دارد و می‌گوید من مسلمانم، مؤمنم و این‌ها هستم، این بداند به اینکه نفع و ضرر دست یکی دیگر است، اگر برخواهی تو دست‌اندازی بکنی، وارونه می‌شود. هیچ گاه با مخالفت خدایی که تو معتقدی، به تو نفعی منهای او نمی‌رسد، هیچ گاه ضرری منهای او، از تو دفع نمی‌شود. پس بهتر این است که خیال مصیبت نکنی. تعبیر «حوال» یعنی «قصد» به قول ماها از نظر عربی توجه کنید؛ قصد مصیبت که می‌کنید می‌بینید یک وقت می‌گویی خود مصیبت، یک وقت می‌بینی قصد می‌کنی که آن کار مصیبت است برای اینکه چیزی بیاوری؛ توجه کنید! حضرت تعبیر به «حوال» می‌فرمایند. بنابراین شخص می‌خواهد یک سودی بدست بیاورد که ما بیش می‌گوییم، خارج می‌شود و به زودی به آنچه از آن می‌ترسد، گرفتار می‌شود.

روایت

محمدباقر سلیمانیان:

دلم اسیر محبت و ولایت امام رضا(ع) است

محمدباقر سلیمانیان درخصوص خاطرات تلخ و شیرین اسارت می‌گوید: فداکاری، ایثار، یکرنگی واتحاد «سوغات اسارت» در دوران دفاع مقدس بود. اسارت همچون مدرسه و مکتبی بود که درس‌هایی همچون همکاری و همیاری، ایثار، یکرنگی، صفا و صمیمیت را بین ایران ایرانی بیش از پیش تقویت کرد. در دوران اسارت، اسیران ایرانی بیش از هر چیز به پیروزی و سرافرازی نظام جمهوری اسلامی ایران و خاتمه جنگ به نفع ایران و پیروزی رزمندگان اسلام فکر می‌کردند. اکنون حدود ۳۲ سال از زمان آزاد شدن من و سایر آزادگان از اردوگاه‌های حزب بعث عراق می‌گذرد اما آزاده واقعی کسی است که خود را از گناهان برهاند و امام هشتم(ع) می‌داند، هر چند من لایقش نبودم و حضرت رضا(ع) از روی بزرگواری و کرامتش، من را به کار کردن در تشکیلات حرمش مفتخر کردند. آخرین درخواستم از امام رضا(ع) این است که ما را حاضر و خشنود شوند، زیرا واسطه رضایت خدا از بندگان، رضایت و خشنودی رضای آل محمد(ع) یعنی حضرت ثامن‌الحجج(ع) است.

سلیمانیان در دوم ایستاده از راست

خبر

در بیانیه‌ای به مناسبت سالگرد ترحال نویسنده «الحیات» مطرح شد

مؤسسه الحیات؛ تنها مرجع نشر اندیشه‌های علامه «حکیمی»

مؤسسه فرهنگی-هنری الحیات در نخستین سالروز درگذشت نویسنده «الحیات» قصد دارد اولویت اقدام‌ها و فعالیت‌های مؤسسه را بر مدار «ارائه خدمات عام‌المنفعه فرهنگی» و تبیین اندیشه‌های اسلامی قرار دهد.

به گزارش خبرنگار مهر، آیت‌الله محمد حکیمی که نویسنده، مجتهد حوزوی، استاد اقتصاد اسلامی و ادبیات در حوزه علمیه مشهد و یکی از مؤلفان کتاب «الحیات» است، این کتاب را همراه با دو برادر دیگر خود استاد محمدرضا حکیمی و علی حکیمی تألیف کرده‌که به وسیله احمد آرام به فارسی ترجمه شده است.

استاد محمد حکیمی به مناسبت سالروز درگذشت علامه محمدرضا حکیمی بیانیه‌ای صادر کرده‌ودر آن نوشته است: «از درگذشت اندوهناک علامه محمدرضا حکیمی یک سال گذشت وهنوز باورمان نیست که چنین شخصیتی را از دست داده‌ایم. ایشان در دوران زندگی خویش همواره در اندیشه انسان‌ها بود و با درد انسان‌ها زیست و از پیوند دین با انسانیت سخن گفت؛ در این راه همواره خود و قلم خود را برای تبیین فرهنگ انسان‌ساز تشیع، ویژه‌ساخت. به راستی علامه حکیمی با توده مردم زیست و از «انسان محروم» سخن گفت و از آنچه او را از دیر مردم دور می‌ساخت، دوری جست. اکنون در سالگرد فقدانش، مؤسسه الحیات با تکیه بر مشی «مردمی و انسان‌گرایی» او، اقدام‌هایی را با هدف انگیزه‌ها بیش رو قرار داده و به دور از تشریفات و عرف مرسوم همایش‌ها و بزرگداشت‌های پرهزینه به نکوداشت ایشان پرداخته است. بر این باوریم او را پس از مرگش، همان گونه باید دید که خود آن گونه زیست. علامه آن گاه که از پذیرش جایزه تجلیل از بیست‌کسوتان جشنواره علوم انسانی فارابی سر باز زد نوشت: «تا هنگامی که در جامعه ما فقر و محرومیت مرئی و نامرئی بیداد می‌کند، برگزاری چنین جشنواره‌هایی از نظر اینجانب در اولویت نیست...».

برای همین آرمان بلند اسلامی و انسانی، مؤسسه فرهنگی-هنری الحیات به‌عنوان مرجع اختصاصی مرکز نشر و ترویج آثار و اندیشه‌های علامه، در نخستین سالروز درگذشت ایشان قصد دارد اولویت اقدام‌ها و فعالیت‌های مؤسسه را بر مدار «ارائه خدمات عام‌المنفعه فرهنگی» و تبیین اندیشه‌های ایشان قرار دهد و تولید و انتشار رایگان نرم‌افزار دایره‌المعارف الحیات و مجموعه آثار علامه محمدرضا حکیمی را راه‌اندازی کند و نیز راه‌اندازی سایت الحیات برای همین آرمان را پیگیری نماید و حمایت مادی و معنوی از روش‌هایی که همین ویژگی را داشته باشد [را در برنامه‌های خود قرار دهد].

مؤسسه از برگزاری هر گونه نشست که این ویژگی‌ها را داشته باشد قدردانی و برای سامان‌یابی و غنای بیشتر آن‌ها تلاش می‌کند. همچنین کوشش خواهد شد تلاش‌های اصولی در راستای نشر آثار ایشان انجام شود که جزئیات آن در فضای مجازی و سایت «الحیات» به اطلاع عموم علاقه‌مندان خواهد رسید...».

گپ‌وگفت با ۲ آزاده که در آستان قدس رضوی خدمت می‌کنند

از اردوگاه موصل تا صحن سقاخانه

گزیده

ما اسیران مشهدی و خراسانی که در ساختمان‌های اردوگاه موصل بودیم، همیشه وقتی صحبت از آزادی و آزاد شدن می‌شد، به همدیگر می‌گفتیم به محض رسیدن به مشهد، ابتدا به حرم امام رضا(ع) می‌رویم و شاید یک شبانه‌روز در حرم بمانیم و به قول معروف یک دل سیر امام رضا(ع) را زیارت کنیم.

محمد حسین مروج کاشانی

۲۶ مرداد ماه در تقویم تاریخ رسمی کشور مصادف است با آغاز بازگشت نخستین گروه از آزادگان سرافراز به میهن اسلامی در سال ۱۳۶۹ که امسال همچون ۳۲ سال پیش، گرامیداشت ورود آزادگان به کشور مطابق با ماه محرم‌الحرام شده است. به همین بهانه به سراغ دو نفر از نخستین آزادگان سرافراز خراسانی آن دوران که هم اکنون خود خدمه افتخاری حرم مطهر امام رضا(ع) و یا از بازنشستگان مجموعه بزرگ آستان قدس رضوی هستند، رفتیم و با آنان به گپ و گفت نشستیم.

■ «سی و هفتمین» فرد از آن ۶۹ نفر

«علی محمد صفر مقدم» فرزند عبدالله متولد سال ۱۳۳۷ شهر مشهد است. وی در تاریخ ۲۳ تیر سال ۱۳۶۱ در عملیات رمضان و در منطقه شرق بصره در سن ۲۴ سالگی به اسارت دشمن درمی‌آید و مدت هشت سال و یک ماه در یکی از ساختمان‌های اردوگاه حزب بعث در ۱۰ کیلومتری شهر موصل عراق در اسارت بود است. در ۲۶ مرداد سال ۱۳۶۹ در سن ۳۲ سالگی جزو نخستین گروه از آزادگان خراسانی دوران دفاع مقدس از زندان‌های رژیم بعث عراق به میهن اسلامی بازمی‌گردد. براساس اعلام اسامی ۶۹ تن از آزادگان دلاور خراسانی که در آرشیو روزنامه قدس، نسخه شماره ۷۶۷ این روزنامه مورخ دوشنبه ۲۹ مرداد سال ۱۳۶۹ مطابق با ۲۸ ماه محرم الحرام سال ۱۴۱۱ هجری قمری چاپ شده است، نام و نام خانوادگی وی به عنوان سی و هفتمین نفر در بین این اسامی به چشم می‌خورد.

■ دلتنگ شنیدن اذان مسجد گوهرشاد بودیم

نیتش از رفتن به جبهه، انجام وظیفه و کسب رضای خدا بوده است. هشت سال دوران اسارت را دوران بی‌نظیر و تکرارنشدنی در زندگی و عمر خود و سایر آزادگان توصیف می‌کند.

صفر مقدم در ادامه می‌گوید: همیشه در سختی‌ها و گرفتاری‌ها به ائمه اطهار(ع) متوسل می‌شدیم و من و سایر اسیران مشهدی و خراسانی بیش از همه به یاد امام رضا(ع) می‌افتادیم. در بسیاری از گرفتاری‌ها به خصوص وقتی اسیران ایرانی به شدت بیمار می‌شدند و به مریضی‌های واقعاً سخت‌درمان گوارشی، تنفسی، داخلی و... مبتلا می‌شدند، برای شفای آن‌ها به امام رضا(ع) متوسل می‌شدیم. یاد امام رضا(ع) به ما قوت می‌داد. یک دوست اسیر هم‌بند در اردوگاه موصل عراق داشتیم که همیشه به طریقه مؤذن مسجد گوهرشاد اذان می‌گفت. هنگام نماز تا صدای اذان او بلند می‌شد دل همه اسیران مشهدی و خراسانی در اردوگاه موصل پرواز می‌کرد به سمت حرم امام هشتم(ع) و به خصوص مسجد گوهرشاد.

در دوران اسارت و در هنگام نماز صلوات خاصه امام رضا(ع) را قرائت می‌کردیم. مشهدی‌ها و خراسانی‌های اردوگاه موصل یک تکه‌کلام برای امام رضا(ع) داشتند و آن این جمله بود: «... قربون گنبد طلات امام رضا(ع)....» آن هم با لهجه مشهدی که همه اسرای اردوگاه با شنیدن این جمله به وجد و نشاط می‌آمدند و همیشه این جمله ورد زبان ما بود. اصلاً در دوران اسارت توسل خاصی مشهدی‌ها به امام هشتم(ع) را داشتند که قابل توصیف نیست.

وی در پاسخ به اینکه آیا به دوران پس از آزادی از رژیم بعث عراق هم می‌اندیشید یا نه، اظهار می‌کند: فکر کردن به آزادی و آزاد شدن از زندان‌ها و اردوگاه‌های حزب بعث عراق برایمان مبهم بود، شرایط اسارت و نحوه برخورد عراقی‌ها با اسیران به هیچ وجه مناسب نبود و اصلاً فکر اینکه چه زمانی و چگونه اسرای ایرانی آزاد می‌شوند، در ذهن من و سایر اسیران قابل تصور نبود. آزادی برای ما خیلی مبهم و شاید غیر قابل تصور بود.

من و سایر اسیران مشهدی و خراسانی که در ساختمان‌های اردوگاه موصل بودیم، همیشه وقتی صحبت از آزادی و آزاد شدن می‌شد، به همدیگر می‌گفتیم به محض رسیدن به مشهد، ابتدا به حرم امام رضا(ع) می‌رویم و شاید یک شبانه‌روز در حرم بمانیم و به قول معروف یک دل سیر امام رضا(ع) را زیارت کنیم.

■ سرانجام آن «جمعه آزادگی» فرارسید

صفر مقدم در ادامه بیان می‌کند: اسارت سخت بود ولی تلخ نبود. آن چیزی که در اسارت، همه اسیران ایرانی را سربلند نگه می‌داشت یاد خدا، توسل به ائمه اطهار(ع)، تقوا، صفا و یکرنگی، شاکر بودن و اعتقادات مذهبی بود. دوئیت و تفرقه جایی بین اسرای ایرانی نداشت. یاد و نام امام رضا(ع) هر روز دل و جانمان را صفا می‌بخشید. در دوران اسارت مأموران صلیب سرخ جهانی هر دو ماه یا حدود هر ۷۰ روز یک بار به اردوگاه‌های اسرای ایرانی سر می‌زدند و بازدید می‌کردند اما از اواخر تیر سال ۱۳۶۹ متوجه شدیم هر هفت یا هشت روز یک بار مأموران صلیب سرخ جهانی برای سرکشی به اردوگاه موصل می‌آیند. برایمان جای تعجب داشت تا اینکه یکی از روزهای مرداد سال ۱۳۶۹ بود که از ساعت حدود ۸ صبح رادیو اردوگاه توسط مأموران عراقی روشن شده بود و از پشت بلندگوی اردوگاه، مارش خاصی پخش می‌شد. رادیو عراق اعلام می‌کرد صدام حسین، رئیس‌جمهور عراق برای اسیران ایرانی پیام خاصی دارد. ساعت حدود ۱۰:۳۰ صبح بود که صدای صدام از پشت رادیو و بلندگو پخش شد مبنی بر اینکه عراق معاهده و قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزایر را پذیرفته و به محل مرزهای قانونی و بین‌المللی خود با جمهوری اسلامی ایران برمی‌گردد و اسیران ایرانی هم یک‌طرفه آزاد می‌شوند. با شنیدن این جملات، من و سایر اسرای ایرانی مثل همیشه اصلاً باور نکردیم، چون اطمینان و اعتمادی به گفته‌های عراقی‌ها نداشتیم. پس از آن زور رفت و آمد مأموران صلیب سرخ جهانی همچنان به اردوگاه موصل ادامه داشت و طی یک هفته یا سه‌ربعت اسامی اسیران ایرانی را بررسی می‌کردند تا اینکه پنجشنبه ۲۵ مرداد ماه فرارسید و من و حدود هزار نفر از اسیران ایرانی را فراخواندند و پس از سوار شدن به اتوبوس از اردوگاه موصل خارج شدیم و بعد از فهمیدیم به طرف مرز خسروی در ایران منتقل می‌شویم. سرانجام آن جمعه رؤیایی فرارسید و در صبح روز جمعه ۲۶ مرداد سال ۱۳۶۹ که همزمان با ۲۵ ماه محرم هم بود در ابتدای مرز خسروی من و سایر آزادگان به مقامات ایرانی مستقر در مرز تحویل داده شدیم و به خاک پاک وطن گام نهادیم.

■ کشیک کفشداری حرم، هدیه‌ای از سوی امام رضا(ع)

صفر مقدم هم اکنون به عنوان کفشدار افتخاری در حرم منور امام هشتم(ع) توفیق خدمت به زائران حرم مطهر را دارد. وی در این باره می‌گوید: ماه‌های انتهایی سال ۱۳۶۹ یکی از دوستانم با من تماس گرفت و گفت آستان قدس رضوی برای حرم مطهر امام رضا(ع) خادم افتخاری جذب می‌کند. من هم برای نام‌نویسی به اداره مرکزی آستان قدس واقع در چهارراه شهدای مشهد مراجعه و نام‌نویسی کردم و به لطف خداوند و امام هشتم(ع) از اردیبهشت سال ۱۳۷۰ به افتخار خدمت در کشیک پنجم‌شب در بخش کفشداری حرم مطهر رضوی نائل شدم. من این کشیک را هدیه‌ای ارزشمند از امام هشتم(ع) می‌دانم و همان روز نخست خدمت کفشداری، ابتدا جای ضریح مطهر رفتم و از امام رضا(ع) که مرا به نوکری حرم مطهرش پذیرفتند و جزو غلامان خود به حساب آوردند، صمیمانه تشکر و سپاسگزاری کردم.

■ فرزند حاج‌بابا: نخستین فرد از آن ۱۹ نفر

«محمدباقر سلیمانیان» فرزند حاج‌بابا، متولد سال ۱۳۳۷ شهر مشهد در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۶۲ در عملیات والفجر یک در منطقه عملیاتی فکه و حاج‌عمران به اسارت درمی‌آید و به مدت ۸۷ ماه (یعنی بیش از هفت سال و چند ماه) و با درجه جانبازی ۴۰ درصد در اردوگاه‌های موصل عراق، اسیر حزب بعث بوده است. مطابق آنچه در آرشیو روزنامه قدس، نسخه شماره ۷۶۸ مورخ سه‌شنبه ۳۰ مرداد سال ۱۳۶۹ برابر با ۲۹ محرم الحرام سال ۱۴۱۱ هجری قمری وجود دارد، نام و نام خانوادگی وی به عنوان نخستین فرد در بین ۱۹ نفر از دومین گروه از آزادگان خراسانی به چشم می‌خورد. وی یک سال پس از بازگشت به وطن به ستاد امور آزادگان در استان خراسان مراجعه و در مرداد سال ۱۳۷۰ معرفی‌نامه‌ای برای کار کردن در آستان قدس رضوی دریافت می‌کند و ابتدا در دارالشفاء امام(ع) مشغول کار شده و پس از مدتی به سازمان کتابخانه‌ها و موزه‌های آستان قدس رضوی منتقل می‌شود و در سال‌های ۸۴ یا ۸۵ به افتخار بازنشستگی از این سازمان نائل می‌شود.

■ مسیر ویژه زیارت از «طلاب مشهد» تا «سقاخانه حرم»

سلیمانیان در بخشی از سخنانش می‌گوید: منزل پدری من در منطقه طلاب مشهد، خیابان میثم، نزدیک مسجد قدیمی هاشم(ع) بود و مغازه جوراب‌فروشی خدابیامرز مرحوم پدرم هم در میدان بیت‌المقدس (فلکه آب سابق) واقع شده بود. من هر روز از منزل پدری به سمت بولوار طبرسی و سپس به سمت حرم مطهر می‌آمدم. وارد صحن انقلاب (صحن سقاخانه) حرم می‌شدم و پس از زیارت از سمت صحن امام خمینی(ره) آن زمان (رواق امام خمینی(ره) فعلی) از حرم خارج و به طرف فلکه آب و مغازه پدرم می‌رفتم. مامشهدی‌ها الارت خاصی به امام هشتم(ع) داریم و با زیارت حرم آقا، انس خاصی گرفته‌ایم. در دوران اسارت دلم برای زیارت حرم امام هشتم(ع) خیلی تنگ می‌شد. وقتی یاد این مسیر زیارت روزانه (از منطقه طلاب تا حرم) می‌افتادم غوغایی در دلم برپا می‌شد و غربت خاصی مرا فرامی‌گرفت. از همان داخل اردوگاه موصل عراق با قرائت صلوات خاصه و درود و سلام فرستادن به روح مقدس امام هشتم(ع)، یاد امام رضا(ع) همیشه در دل من و سایر اسیران ایرانی زنده و جاوید بود.

در دوران اسارت هر وقت یاد و نام امام رضا(ع) بین ایرانی‌ها و به خصوص مشهدی‌ها و خراسانی‌ها به میان می‌آمد، من همیشه یاد گنبد حرم، سقاخانه، کبوترهای حرم و مسیر زیارتی روزانه خودم از منطقه طلاب تا حرم می‌افتادم.

او درباره خاطراتش از ورود به حرم مطهر رضوی پس از آزادی می‌گوید: پس از ورود به مشهد مقدس، هنگام غروب آفتاب وارد حرم مطهر رضوی و صحن امام خمینی(ره) آن زمان شده و بدون وقفه خود را به ضریح مقدس امام رضا(ع) رساندیم. یک لحظه مسیر زیارتی که پیش از اسارت از خیابان طلاب تا حرم را می‌آمدم در ذهنم مرور کردم. همان جا از خدا و امام هشتم(ع) به خاطر اینکه دوباره توفیق زیارت حرم مطهر نصیبم شده بود، تشکر کردم.

علی‌محمد صفرمقدم در دوران اسارت

روایت

علی‌محمد صفرمقدم:

هنگام ورود به خاک وطن، صدای یا امام رضا(ع) آزاده‌ها بلند شد

علی محمد صفرمقدم از حال و هوای اولین زیارت امام رضا(ع) پس از اسارت می‌گوید: پس از ورود به خاک جمهوری اسلامی ایران، نخستین موضوع یا پرسش در ذهنمان این بود که به کجا منتقل می‌شویم؟ کرمانشاه، تهران، مشهد یا... راستش را بخواهید من و بقیه آزادگان مشهدی و خراسانی پس از اطمینان از ورود به خاک ایران، دلمان هوای حرم امام رضا(ع) و شهر مشهد را کرد و در همان ابتدای ورود به خاک وطن، صدای یا امام رضا(ع) مشهدی‌های آزاده بلند شد. سه روز طول کشید تا از کرمانشاه به تهران و سرانجام به مشهد مقدس رسیدیم. در هواپیما، من و بقیه آزادگان مشهدی و خراسانی تصمیم گرفته بودیم ابتدا برای زیارت به حرم مطهر امام هشتم(ع) مشرف شویم. پس از پیاده شدن از هواپیما در فرودگاه مشهد با جمعیت زیادی از مردم که به استقبالمان آمده بودند روبه‌رو شدیم و مردم قهرمان مشهد ما را روی دوش خود گذاشتند و سپس با اتوبوس به حرم مطهر رضوی مشرف شدیم و از صحن امام خمینی(ره) آن زمان (رواق امام خمینی(ره) فعلی) وارد حرم مطهر شدیم. نزدیک‌های غروب آفتاب بود که وارد حرم شدیم و چشمه‌ای به گنبد طلایی حرم